

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۹	صفحات	۱-۲۲
------------	------	--------------	----	-------	------

نگاهی نو بر توریه و اهمیت آن در سیستم قضایی

آقای دکتر حمید بذریاچ و سرکار خانم سارا مددی

دانشیار، عضو هیأت علمی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

به تاسی از مالکوم گلدول انسان ها هنگام برخورد با افراد غریبه به راحتی می توانند فریب بخورند، انسانها به راحتی قادر به تفکیک راست از دروغ نیستند، و آنهایی که تصور می کنند از طرز نگاه یا بیان کسی می توانند به صحت و سقم ادعاهای آنان برسند بشدت در خطا هستند. امروزه ما شاهد این هستیم که انسان ها به علت های گوناگون می توانند حقیقت را پنهان کنند و آنچه که واقعیت است را مخفی نگه دارند اما علاوه بر دروغ، در مباحث فقهی ما بحثی به نام توریه مطرح است که اختلاف نظر های فراوان در باب وجود یا عدم وجود توریه مطرح است. از سویی دیگر با نگاهی به مجتمع های قضایی شاهد پرونده هایی هستیم که گاه قضات بدون در نظر گرفتن توریه ای که شاید طرفین دعاوی برای پیروزی و به بار نشستن هدف غایی خود دارند، آرای را صادر می کنند که ممکن است با احقاق حق اصلی کاملا در تضاد باشد. بررسی ابعاد توریه و اثرگذاری توریه طرفین دعاوی بر آرای صادره و فی النهایه عملکرد قضات در این زمینه هدف نهایی ما در تحقیق پیش رو می باشد.

واژگان کلیدی: توریه، دروغ، آرای صادره، قضات

طبقه بندی: JEL، فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

A new look at the tour and its importance in the judicial system

Hamid Bazarpach and Sara Maddy

Abstract

According to Malcolm Gladwell, humans can easily be deceived when dealing with strangers, humans are not easily capable of distinguishing truth from lies, and those who think that they can reach the truth of their claims based on someone's look or expression are seriously mistaken. Today, we see that humans can hide the truth for various reasons and keep the truth secret, but in addition to lies, in our jurisprudence there is a discussion called Turiya, which There are many differences of opinion regarding the necessity or non-mandatory of the tour. On the other hand, looking at the judicial complexes, we see cases where sometimes the judges, without taking into account the tour that the litigants may have in order to win and fulfill their ultimate goal, issue opinions that may be completely in conflict with the right of the original. Investigating the dimensions of litigation and the effectiveness of litigation parties on the decisions issued and ultimately the performance of judges in this field is our final goal in the upcoming research.

Keywords: Tory, a lie, Votes issued, Judges

متن مقاله

مقدمه

از جمله مباحث حائز اهمیت در فقه اسلامی توریه است توریه در قانون ایران یک مسئله فقهی و اخلاقی است که در برخی موارد مجاز و در برخی موارد حرام یا مکروه محسوب می شود از جمله جنبه های توریه در قانون را می توان توریه در ازدواج، دانست آن است که براساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اگر زن خارجی با مرد ایرانی ازدواج کند، شناسنامه ایرانی برای او صادر می گردد اما اگر مرد ایرانی با زن خارجی ازدواج کند باید ازدواج خود را در کشور مبدأ زن ثبت کند و برای اخذ شناسنامه ایرانی برای زن، باید از طریق سفارتخانه ایران اقدام نماید. این نوع تفاوت در معامله با زن و مرد خارجی، ممکن است به عنوان یک نوع توریه تلقی شود. توریه در ورود و خروج ارز؛ براساس قانون، هر مسافر می تواند تا سقف مشخصی ارز وارد و خارج کند. اما برخی از مسافران برای دور زدن این محدودیت، از روش های توریه مانند تقسیم ارز بین چند نفر یا پنهان کردن آن در وسایل شخصی استفاده می کنند. این کار نه با قانون است، بلکه ممکن است به عواقب جدی منجر شود. توریه در اکره بر عقود، اگر شخصی به اکره یا تهیدید به عقد نکاح، عقد بیع، عقد اجاره و وارد شود آیا می تواند با توریه از این عقد خارج شود یا خیر؟ برخی از فقها همچون امام خمینی جواز توریه را در این موارد قبول دارند و برخی مانند شیخ طوسی جایز نمی دانند. توریه در فرض اضطرار به کذب؛ اگر شخصی در موقعیتی قرار گیرد که با جان یا مال یا عرض خود یا دیگران را از دست بدهد آیا می تواند با توریه از این وضعیت نجات یابد یا خیر؟ اکثر فقهای اهل تشیع در این موارد جواز توریه را صادر کرده اند و در مقابل فقهای اهل تسنن آن را جایز نمی دانند. توریه در شهادت؛ اگر شاهد از بیان حقیقت در دادگاه خودداری نماید آیا می تواند با توریه حقیقت را پنهان نماید یا خیر؟ به برخی فقها مانند امام صادق (ع) جواز توریه را در این موارد قبول دارند و برخی مانند امام باقر (ع) جوازی برای این امر نداده اند. در واقع، دروغ تلاشی عمدی برای پنهان کردن حقیقت است. می تواند به صورت یک داستان

پوششی در بیاید که علاوه بر استتار کردن کلام اصلی توضیح نیز می دهد. دروغ گفتن نه تنها جنبه شخصی دارد بلکه جنبه عمومی نیز می توان داشته باشد. در حکومت ها گاهی دولت ها برای پیشبرد اهداف سیاسی خود به صورت گسترده آنچه که حقیقت است را برای مردم بازگو نمی کنند. یا گاهی از مغالطه پس چه ایسم [۱]، استفاده کرده و از بار عنوان کردن حقیقت، شانه خالی می کنند و اصطلاحاً طرفه می روند. با این وجود ما شاهد تاثیر دروغ در انتخابات و کاندیدهای سیاسی نیز هستیم که کاندیدهای سیاسی از قابلیت های متفاوتی در رقابت و عملکرد در مناصب برخوردارند که نمونه مهم آن توانایی و تمایل آنها به دروغ گفتن است. در مقاله (دروغ در مبارزات سیاسی؛ استیونکالاندرد، سایمون ویلیکیم [۲])، (۲۰۰۷) مدلی از رقابت انتخاباتی را برای بررسی تاثیر ناهمگونی در تمایل نامزدها برای دروغ گفتن بر رفتار و نتایج سیاسی مورد ارزیابی قرار داده اند. در بررسی ها متوجه شده اند که نامزدهایی که تمایل بیشتری به دروغگویی دارند در انتخابات مورد حمایت قرار می گیرند، با این حال مزیتی که به دست می آید غالب نیست و نامزدهای صادق تر همیشه شکست نمی خورند. مهمتر از همه، حضور هر نوع نامزد تأثیر قابل توجهی بر رفتار همه نامزدهای دیگر دارد. با نگاهی تاریخی در می یابیم که دروغ در مذهب نیز چگونه اثرگذار بوده، قبل از دوره ی رنسانس به وفور شاهد دروغ گویی کلیساها بوده ایم، و یا شاهد این هستیم که چگونه دولت ها به واسطه مصلحت اندیشی، مذهب را دخیل در امور سیاسی خود کرده و نظرات و فتوا های خود را به جهت نفع زمانی و مکانی تغییر می دهند. پس این واژه ناآشنا برای افراد نیست بلکه واژه ای است که روزانه، در محل کار و تحصیل و اجتماع با آن روبرو هستیم. در روزگاری که از طریق اشکال مختلف رسانه ها مملو از اطلاعات هستیم، تشخیص واقعیت از داستان، حقیقت از دروغ و واقعیت از آرمان گرایی به یک کار روزمره تبدیل شده است امروزه ما شاهد آن هستیم با پیشرفت علم و گسترش شبکه های مجازی، دروغ گویی و پنهان کردن حقیقت به مراتب بیشتر از گذشته شده است. دروغ می تواند در عرصه رسانه ای و اعداد و آمار نیز خود را نشان دهد شمارش واقعی غیرممکن می تواند باشد. اعداد و ارقام اغلب

حاضر می شوند، بیشترین تلاش را به کار می برند تا دعوا را به نفع خود و به ضرر دیگری به پایان برسانند در این میان شرایط استرس زای جلسات دادرسی می تواند طرفین را بیشتر به توریه ترغیب کند

سوالی که می توان اینجا مطرح نمود این است که یک قاضی چگونه می تواند توریه طرفین دعاوی را تشخیص دهد؟ بر فرض در یک پرونده ای که یکی از طرفین به هدف دفاع از خود بر می آید وبا توریه رای دادگاه، به نفع خود می گرداند وظیفه یک قاضی در این مواقع چه خواهد بود؟

آیا هرکدام از طرفین می توانند بر استناد به نظریه فقها و صدور جواز توریه در جلسات دفاع توریه کنند؟ توریه چه تاثیری می تواند در آرای صادره از محاکم ما داشته باشد؟ بررسی توریه از بعد روانشناسی به چه صورتی خواهد بود؟ نگاهی به اینکه قضات چگونه می توانند مقصود اصلی طرفین دعوا را کشف و بهترین نتیجه را دررای های صادره داشته باشند. نگارنده در این پژوهش باروش تحلیلی توصیفی و روش گردآوری مطالعات کتابخانه ای، سعی بربررسی توریه در ابعادمختلف و تاثیر گزاربودن توریه در محاکم و راهکارهایی برای مساله نموده است .

۱-۱- مفهوم توریه از دیدگاه فقهی

از منظر فقها واژه ی توریه به معنای پنهان کردن (فراهیدی، ۱۴۰۵ ق ذیل «وری») و آشکار نساختن است عده ای از فقها بر این عقیده اند که توریه ابراز عقیده و انجام کاری برخلاف حق است، در نگاهی دیگر به واژه توریه از منظر فقها، توریه را لفظی می دانند دارای معنا که معنایی دیگر از آن فهم می شود که آنچه که در تعاریف توریه به ما نشان داده شده در توریه کردن صراحت کلامی، وجود ندارد. فقهای دیگر معتقدند که خود توریه حرام نیست اما قسم توریه حرام است؟ اما نکته ای که حایز اهمیت، این است که در میان فقها در معنای لغوی توریه اختلاف نظری به چشم نمی خورد، و اجماعاً جملگی بر تعاریفی از واژه توریه متفق القول اند آنچه که مهم است، نظرات و دیدگاه های مطرح شده در جواز یا عدم جواز

در رابطه با مشکلات اجتماعی نیز می توانداستبانه تعبیر شوند. برای مثال، یک رویداد فاجعه باری، مانند تیراندازی در مدرسه کلمباین در سال ۱۹۹۹ یا حمله به مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، چون قدرت عاطفی زیادی دارد. بنابراین، با تأثیرهمان رسانه ها، نگاهی که به آن رویداد ها می توانیم داشته باشیم، منجر به این خواهد شد که ما، در رویدادهای رایج تر در همان مشکل اجتماعی، یعنی تعداد واقعی حوادث خشونت آمیز مدرسه یا حملات تروریستی نادیده بگیریم. اهمیت این موضوع در تمام عرصه های اجتماعی و سیاسی، ورزشی و حتی سیستم های قضایی در تمام جوامع ولو غربی نمود دارد، در این باره فقها متفق القول بر این باورند که دروغ گویی کاری ناپسند و مورد تایید خداوند است و حتی برای افراد عقوبت های اخروی به همراه دارد نه تنها افراد نیز این عمل را امری ناپسند می دانند. بلکه دوری کردن از دروغ گویی را به مردم یادآوری میکنند.

علاوه بر دروغ، اما در فقه امامیه واژه ی دیگر به نام توریه مطرح است که دروغ را در سناریوی دیگری و در قالبی خاص مطرح می کند. اما نمی توان گفت که این واژه متفاوت از دروغ است. در خصوص واژه توریه گفته شده که افراد می توانند آن چه که معنای اصلی جمله و یا خبر دهندگی و یا اطلاع دادن، در خصوص مساله ای است. را به گونه ای دیگر بیان نمایند که مخاطب در ذهن خود معنای دیگری را متصور شود. و براساس این تعریف تفاوت بین توریه و دروغ قائل هستند. عده ای دیگر نیز بر این باورند که توریه نوعی دیگر از دروغ است که تشخیص آن در زندگی اجتماعی امروزه به مراتب سخت تر هم می باشد. افراد با توریه گویی می توانند حقیقت امری را پنهان کنند که در واقع همان هدف اصلی در دروغ گویی است. که ما شاهد آن هستیم .

اهمیت توریه زمانی برای ما معنا پیدا می کند که تشخیص آن توسط قضات چگونه خواهد بود. و در محکمه های دادخواهی تا چه اندازه موثر است، آیا قضات به راحتی می توانند توریه طرفین دعاوی را تشخیص دهند، توریه صرفاً نمی تواند نسبت به یکی از طرفین دعوا به کار گرفته شود اغلب طرفین و یا حتی اشخاص ثالثی که به هر نحوی در دادرسی

دو آنها دارای یک حکم می دانند. حال سوال که می توان اینجا مطرح نمود این است که، آیا توریه همان کذب است. عده ای از علما توریه را اینگونه تقسیم نموده اند: انسان خودش دروغی را ابداع می کند؛ پرسش و پاسخی نبوده است مثل سخنرانی که دروغ می گوید؛ در این صورت کذب است و حرام. اگر کسی پرسشی می کند و متکلم قصد پاسخ روشن ندارد، چنین توریه ای اشکال ندارد. روایات فراوانی دال بر این وجود دارد که اینکه انسان نمی تواند حتی در شرایط اکراهی نیز توریه بکند، استدلالی که می توان اینجا مطرح نمود، ضعف سندی اینگونه روایات است و نمی توان به آنها استناد نمود بنابراین از منظر عده ای دیگری که قائل به تساوی بین توریه و کذب می باشند (خوویی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۹۹ و ۴۰۰) از نظر عرف قدرت بر توریه، کلام را از اکراهی بودن خارج نمی کند؛ بنابراین صدق عرفی محرز است و مناط هم صدق عرفی است.

اما عده ای این چنین عنوان میکنند که در برخی موارد توریه می تواند مفسده بدتر از کذب را داشته باشد، مثل انسان مقدس نمایی که همیشه توریه می کند صاحب جواهر، ضمن اشاره به دو دیدگاه، میگوید: «بهتر بلکه اقوا آن است که توریه، صرفاً در جایی که عرفاً دروغ صدق نکند، به طور مطلق مجاز است، و دروغ بودن آن از فهم سامع و فقدان قرائن ناشی میشود.» او دلیل این دیدگاه را چنین بیان میدارد که عرف در محاورات، توریه را نوعی کذب میدانند. بدین جهت محقق در متن [شراعی]، جواز توریه را مقید به اضطرار کرده است. (نجفی، ۱۳۶۵ ش، ج ۳۲ ص ۲۰۸)، اما دیدگاه عده ای دیگر بر این است که توریه با کذب متفاوت است و کذب آن است که متکلم لفظی را در معنای خودش استعمال می کند ولی خودش می داند که خلاف واقع است، و اما توریه آن است که متکلم لفظی را در معنای خودش استعمال می کند منتهی معنای خاص دیگری را اراده می کند یعنی متکلم طوری وانمود می کند که مخاطب معنای دیگری را از آن لفظ می فهمد و به عبارت دیگر متکلم از لفظی که بکار می برد معنای خاصی را اراده می کند ولی مخاطب یک معنای دیگری را می فهمد مثلاً فرض کنید قرار بوده زید دیروز به تهران برود و عمرو نیز قرار بوده امروز به تهران برورد، حالا شخصی از شما درباره زید سوال می

توریه می باشد قائلین به جواز توریه در خصوص اینکه می توان توریه را در کلام به کار برد به استناد حدیث: روی سوید بن حنظله، قال: خرجنا و معنا وائل بن حجر نرید النبی - صلی الله علیه و آله - فأخذہ أعداء له، و تخرج القوم أن یحلفوا فحلفت بالله أنه أخی، فخلی عنه العدو، فذکرت ذلک للنبی علیه السلام، فقال: «صدقت المسلم أخو المسلم» (سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۴۹۵-۴۹۴، ح ۱)؛ در این روایت، راوی می گوید با عده ای به سوی پیامبر (ص) حرکت می کردیم. یکی از همراهان ما شخصی بود به نام «وائل بن حجر» در بین راه دشمنان وائل، جلوی او را گرفتند. من قسم خوردم که او برادر من است تا دشمنان او را رها کنند. بعد خدمت پیامبر (ص) رسیدیم و قضیه را نقل کردیم پیامبر فرمودند: «راست گفتمی، مسلمان برادر مسلمان است»؛ عده ای با تمسک به این روایت می گویند پس می شود انسان جمله ای بگوید و معنای خلاف ظاهر اراده کند و کلامش دروغ باشد. (قوانین الاصول، ج ۲، ص ۳۶۴) زیرا ظاهر از برادر بودن، یعنی برادری نسبی نه برادری دینی و حال آنکه پیامبر (ص) با این توجیه که مسلمان برادر دینی مسلمان است کلام وی را متصف به صدق می کنند. بر استناد این روایت می توان بفهمیم که توریه نوعی کذب است، با وجود اینکه توریه مفهومی به غیر از کذب را در این حدیث ندارد باز قائلین به جواز توریه بر این باورند که می توان در هر مکان از توریه استفاده نمود با این وجود که از روایت این چنین بر می آید که انسان هر جا ضرورت دانست توریه نماید. شیخ انصاری برای تجویز توریه این چنین اشاره کرده توریه به هنگام ضرورت و اکراه بر سوگند دروغ یا رهایی از ظالم لازم یا مستحب دانسته اند و آن را از کذب خارج می داند علاوه بر فقهای اهل تشیع ما در اهل تسنن کلمه معارض یا معواریض را می بینیم که این کلمات همسو با نام توریه می باشند با نگاهی به اهل تسنن نیز می بینیم که فقهای تسنن نیز به نوعی جواز توریه را در صورت اضطرار و اکراه داده اند و به حدیث نبوی ان فی المعاریض لمندوحه عن الکذب توریه را برای دوری از کذب به شمار می آورند.

اما از سوی دیگر قائلین به عدم جواز توریه قرار دارند که معتقد هستند نباید به توریه استناد نمود و تفاوتی بین توریه با کذب قائل نیستند و هر

کرد مومنان را از آنچه اختلاف می کردند در آن از حق به اراده خودش و خدا هدایت می کند هر که را بخواهد. بنابراین به استناد کلام خدا، و این آیه اختلاف در زمینه توریه را قاعدتا باید قرآن حل و فصل نماید. خداوند در خصوص کلام صدق و یا دروغ گویی و پرهیز از آن در آیات فراوانی، اشاره داشته است و تاکید بر صداقت در کلام و رفتار دارد و رستگاری و جایگاه کسانی را که صداقت دارند را بهشت می داند [۳] و همچنین صداقت مردان و زنان با ایمان را از ویژگیهای برجسته آنان قرار داده که موجب آمرزش و پاداش بزرگ الهی است [۴]. و در برخی دیگر از آیات می بینیم که جایگاه کسانی که دروغ می گویند دوزخ دانسته است در آیه *فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ* [۵] پس کیست ظالم تر از کسی که بر خداوند دروغ بست و چون سخن راست برایش آمد، تکذیب نمود؟ آیا برای کافران در دوزخ جایگاهی نیست؟ این آیه در خصوص کذب و تذکر خدا به پرهیز از دروغ گویی مطرح شده است و جایگاه کسانی که بر خدا دروغ می بندن را دوزخ می داند نمونه ای دیگر از آیاتی که تاکید بر پرهیز از دروغ و گویی و کذب دارند همچنین می بینیم در برخی آیات دیگر که خداوند می فرماید: *عَقِبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ* [۶] اعمال آنها نفاقی در دلهايشان تا روز قیامت ایجاد کرد، به خاطر اینکه عهد خدا را شکستند و به خاطر اینکه دروغ می گفتند. که دروغ گویی باعث نفاق و جدایی می شود و تا روز قیامت این نفاق به خاطر عهد شکنی آنها ادامه دارد و یا اینکه اشاره می کند در آیه *يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا اٰيٰتِ الْكٰفِرِيْنَ هُمْ يَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّجْرِمُوْنَ اِنَّمَا يُرِيْدُوْنَ لِيُخْرِجُوْا مِنْ اٰمَانِكُمْ فَكَلِمٰتٌ سَوِيْءٌ مِّنْ اَمْرِ الْكٰفِرِيْنَ هٰذَا صِرٰطُهُمْ اَلَّا يَدْرُوْا اَنَّهُمْ يَخْلَفُوْنَ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَبَيْنَ اٰيٰتِنَا لِيُكَلِّمَهُمُ الْكٰفِرُوْنَ اَلَا يَتَذَكَّرُوْنَ اَنَّهُمْ يُكَلِّمُوْنَ اَللّٰهَ اَلَمْ يَخْلُقْهُمْ اَوَّلًا لَّيْسَ لَهُمْ اِيْمَانٌ اَن يُكَلِّمَهُمُ الْكٰفِرُوْنَ اَلَمْ يَخْلُقْهُمْ اَوَّلًا لَّيْسَ لَهُمْ اِيْمَانٌ اَن يُكَلِّمَهُمُ الْكٰفِرُوْنَ اَلَمْ يَخْلُقْهُمْ اَوَّلًا لَّيْسَ لَهُمْ اِيْمَانٌ اَن يُكَلِّمَهُمُ الْكٰفِرُوْنَ* [۷]، وای بر هر کافر دروغ پرداز گناهکار با نگاهی به برخی از آیات متوجه شدیم که در هیچ آیه ی صراحتاً جوازی مبنی بر توریه گویی داده نشده است. ولو اینکه توریه در شرایط اکرایی باشد و یا اضطراری چه بسا نظر فقها این است که در داستان پیامبرانی، همچون حضرت ابراهیم مادامی که بت ها را می شکند از توریه استفاده کرده و عمل شکستن بت ها را به بت بزرگ نسبت می دهد در پاسخ باید اذعان داشت که، حضرت ابراهیم در شرایطی که او را به آتش می اندازند نیز مساله شکستن بت ها را، انکار نمی کند با وجود اینکه

کند و شما می گوئید زید آمده در حالی خودتان می دانید که واقعا زید نیامده این می شود دروغ و بعد از عمرو می پرسد که آیا رفته و شما می گوئید بله رفته منتهی مرادتان آن است که از اتاق به داخل حیاط رفته ولی مخاطب از حرف شما این را می فهمد که عمرو به تهران رفته این می شود توریه و اشکالی هم ندارد البته در توریه لفظ باید طوری باشد که بتوان از آن دو معنی را اراده کرد. بر فرض دیدگاه آن دسته از فقها که جواز توریه را صادر کردند اگر کذب بودن آن را تلقی نکنیم در واقع نوعی فریبکاری است که با علم و آگاهی صورت می گیرد توریه کننده از رفتار خود ناآگاه و جاهل نیست آن هم در جلسه دادگاهی زمانی که طرفین دعوا به دفاع از خود می پردازند و بر این اساس تلاش بیشتری در پنهان کردن حقیقت را خواهند داشت.

۱-۲- توریه از دیدگاه قرآن

آیات فراوانی در خصوص پرهیز از دروغ گویی وجود دارد اما با وجود اظهار برخی از فقها در خصوص توریه و استناد آنها به آیات قرآن و مطرح کردن این امر که انبیا در شرایطی توریه کرده اند، و بر همین اساس حکم به جواز توریه را صادر نموده اند، ما به جستجوی این واژه در آیات قرآن خواهیم پرداخت و اختلاف به وجود آمده در میان فقها، مبنی بر جواز یا عدم جواز توریه را بررسی خواهیم کرد؛ ابتدائاً به سراغ آیه ۲۱۳ سوره بقره، خواهیم رفت که در آن اشاره به این دارد که اختلاف در میان مردم را به واسطه کتاب آسمانی حل خواهیم کرد " *كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اَخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اَخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ اَوْتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ اٰمَنُوْا لِمَا اَخْتَلَفُوْا فِيهِ مِنْ الْحَقِّ بِاٰذْنِهِ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ* " بودند مردم یک امت پس برانگیخت خدا پیامبران را بشارت دهندگان و انداز دهندگان و فرستاد با آنها کتاب را به حق تا حکم کند بین مردم در آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آن کسانی که داده شد به آنها کتاب و پس از آن که رسید به آنها نشانیهای آشکار به ستمی در میان خودشان پس خدا هدایت

صراحت تاکید بر صداقت و پرهیز از کذب گویی مطرح است. بنابراین نه تنها گفتن حقیقت توصیه از جانب پروردگار است بلکه گفتن توریه که نوعی از دروغ است اکیدا منع شده است. اگر توریه به طور مطلق مجاز باشد، نتیجه اش آن است که کذب به طور مطلق مجاز خواهد بود، زیرا در تمامی موارد کذب به طور معمول، امکان توریه هم وجود دارد و فرد دروغگو میتواند پیوسته با به کار بردن آن، خود را از کذب برهاند، روشن است که در این صورت، انبوه آیات و روایاتی که به راستگویی فرمان داده و از دروغ بر حذر داشته اند، لیهو خواهد بود

۳-۱- مفهوم توریه از دیدگاه روانشناسی

از منظر منطق روانشناسی، با تمرکز بر مطالعات انجام شده و بررسی موضوع توریه آنچه بدست می آید، پژوهشهایی است که حول محور همتا بودن توریه و کذب می چرخد. توریه زیر مجموعه ای از کذب محسوب می گردد و غیر مترادفی بودن این دو واژه را روانشناسان متصور نیستند. آنچه که در ذیل مشهود است تحقیقات بس گسترده در زمینه ی دروغ و عوامل موثر در آن است که با بررسی و مقایسه به نتیجه همتا بودن این دو واژه بهتر می توانیم برسیم.

در خصوص بررسی مساله دروغ گفتن و اینکه دروغ گویی زمینه وراثتی دارد و یا بر اثر آسیب های اجتماعی که افراد در دوران کودکی با آن دست و پنجه نرم می کنند تحقیقات بیشماری شده است. روانشناسان اغلب به دنبال این هستند که چرا افراد دروغ می گویند و محیط پیرامون اشخاص چگونه می تواند، بر صداقت و یا عدم صداقت شخصی تاثیر بگذارد، و یا چگونه افراد می توانند در شرایط استرس زا و پر تنش حقیقت را پنهان نمایند.

به نظرامانوئل کانت، دروغ گفتن یا فریبکاری از هر نوع را در هر شرایطی و صرف نظر از عواقب آن ممنوع می داند (کانت [۸]، ۱۹۴۹، ۱۷۸۵) اما ما به دنبال بررسی این هستیم که آیا می توان در دنیای روانشناسی ردی پیدا کنیم مبنی بر اینکه اشخاص بتوانند توریه کنند، بدون اینکه مرتکب

شرایطی که حضرت ابراهیم در آن قرار دارد، در می یابیم که حضرت ابراهیم در زمان نوجوانی بود که در جست و جوی اینکه خالق یکتا را اطاعت کند. با این وجود آن حضرت، سعی در آگاه ساختن قوم خود از بت پرستی و شرک می کند و شکستن بت ها را نیز انکار نمی کند. در واقع بر فرض تصور جواز توریه و پرداختن به آن، این دیدگاه مطرح است که خداوند، برای پیامبرانش تخفیف قائل است و این اجازه را می دهد که در مواقع اضطرار و اگر توریه کنند و این با کلام خداوند هم خوانی ندارد. چه بسا می بینیم در آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره نحل اشاره دارد که تنها در صورتی می توان در شرایط اکراهی تن به توریه داد که ایمان قلبی خود را مخفی نگاه دارند و در سایر شرایط اجتماعی، قراردادهای و عقود دیگر اجازه ی چنین کاری را خدا نداده است. در آیات قرآن که خداوند خطاب به حضرت ابراهیم او را خلیل الله و صدیق النبی نام می برداگرامر توریه رسولان را بپذیریم. با صدیق بودن پیامبران در تضاد خواهد بود. و در نهایت با کلام خداوند و نظام مندی گفتاری او در تمامی کتب آسمانی اش در تضاد خواهد بود. همچنین با بررسی داستان حضرت یوسف نیز متوجه ذکر نکاتی خواهیم بود که می توان به رد دیدگاه آن دسته از فقها که حکم جواز توریه را داده اند باشد به استناد آیه ۷۰ سوره یوسف: (فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَحِيهِ ثُمَّ أَدْنَىٰ أُمَّدِّنَ أَيْتَهَا الْعِيرِ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ) از یک سمت حضرت یوسف به اذن پروردگار این مساله را مطرح می کند و ثانيا قبل از انجام برادر خود را از آن عمل آگاه نموده و همچنین در آن آیه مؤذن معلوم نیست که خود حضرت یوسف است یا شخص دیگری، پس بنابراین تاکید بر این امر که در هیچ یک از آیات قرآن ردی از توریه مشاهده نمی گردد رنگ قوی تری به خود می گیرد. پس بنابراین می توان اینگونه نتیجه گیری کنیم که توریه از کذب جدا نیست و در واقع نوعی از کذب است. در کذب همان گونه که مراد اصلی گوینده گفته نمی شود و قصد از انجام این عمل وجود دارد در توریه نیز مراد اصلی به شیوه ی بازگو می شود که دیگران این تصور راداشته باشند که مفهوم اصلی گوینده چیز دیگری است و به نوعی می توان گفت قصد در انجام توریه نیز وجود دارد. اما آنچه مسلم است در بسیاری از آیات به

در حال حاضر، دستورالعمل های پلیسی نیز معمولاً «رویکرد تشخیص دروغ مبتنی بر نگرانی» را برای کشف فریب ترویج می کنند. برای روشن شدن موضوع، در مصاحبه تحلیل رفتار (روش مبتنی بر نگرانی)، یکی از سؤالاتی که پرسیده می شود، سؤال «شما» است: آیا شما آن آتش را به راه انداختید؟ فرض بر این است که این سؤال مستقیم اغلب مظنون فریبنده را غافلگیر می کند و در نتیجه عصبی می شود. این نشان از این می دهد که انسان ها قادر خواهند بود در شرایط نگرانی و استرس گاهی الفاظ را آنگونه که معنای اصلی آن است بیان نکنند و شاید بتوان گفت براساس نظریاتی که روانشناسان ذکر کرده اند متوجه می شویم توریه در زیرمجموعه کذب و دروغ قرار می گیرد و ماهیت جداگانه ای از کذب ندارد. نمی توان حکم جداگانه برای آن صادر کنیم چرا که به واسطه آن افراد می توانند به راحتی توریه کنند بررسی نشان دهنده این است که توریه مجزا از کذب نیست بلکه یکی از تقسیم بندی های کذب است.

۲- تاثیر توریه بر قضاوت و آرای محاکم

واژه قضا یا قضاوت به معنای همچون حکم، معلومات، علم، خاتمه، قول واجب، دستور، خلقت گفته شده است. در این زمینه در سازمان ملل متحد اصولی بر شرح رفتار قضایی مدون گشته که در آن به شش ارزش بنیادی اشاره میکند که مهم ترین ارزش هایی تدوین شده به هدف یاری در درک بهتر نظام قضایی می باشند. در خصوص قضاوت به قول الرغب الصباحانی در قضاوت کردن، منشا بریدن و جداشدن است در واقع این چنین بیان می کند که محکمه در گفتار یا عمل به موضوع رسیدگی می کند. محکمه یا سیستم قضاوتاً با قضاوت بین مردم در صدد رسیدگی به حل اختلاف میان آنها، براساس شرایط و قوانین می پردازد یا با تفکیک اختلاف بین اصحاب دعوا و صدور حکم با اثبات ادعای شاکی تعریف می شود. با انکار حقی که نسبت به مدعی علیه دارد، یا اینکه در صلاحیت قضاوت، قانون برای هر کسی است که با احراز حقوق و احقاق حق، فتوا به جزئیات احکام شرعی بر مردم بدهد در واقع قوه قضائیه یکی از مناصب حکومت و امری است که از جانب صاحب ولایت بر مردم است. و هر که

دروغی شده باشند. روانشناسان بین دروغ تمایز قائل شده اند (دیپاوول اتال [۹]، ۱۹۹۶ نیز همکاران [۱۰]، ۲۰۱۳) در راستای نتایج محققان به این مهم دست پیدا کردیم که دروغ می تواند آشکار و یا جاسازی شده باشند. دروغ های آشکار دروغ هایی هستند که در آن اطلاعاتی که منتقل می شوند کاملاً نادرست است، تحریف حقیقت مانند اغراق یا بیان کردن حقیقت، دروغ های جاسازی شده دروغ هایی هستند که در آن اطلاعات نادرست در یک داستان واقعی گنجانده شده و با حذف عمدی اطلاعات اصلی، آن را به گونه دیگر بازگو می کنند. گفتن انواع دروغ ممکن است منجر به فرایند های شناختی متفاوتی شود (اسپورر و شواند [۱۱]، ۲۰۰۶) برای مثال گفتن یک دروغ صریح از نظر ذهنی بیشتر از حذف اطلاعات مضر است. در مقایسه توریه با تقسیم بندی دروغ به راحتی می توان آن را در دسته دوم دروغ جاسازی شده قرار داد. توریه نیز به خودی خود کلام اصلی را پنهان می کند و اطلاعات اصلی را از گفت گو حذف می کند. در تحقیقات دیگری که روانشناسان در زمینه دروغ گویی انجام داده اند. می توانیم به تحقیقات تجربی ناهاری و همکارانش [۱۲] اشاره داشته باشیم. در گروه راستگویان و دروغگویان در سطح گروهی با همدیگر مقایسه شدن نتایج حاصل از این تحقیق این بود که نمی توانستند نتیجه بگیرند که چه کسی راست می گوید و یا چه کسی دروغ می گوید زیرا امتیازی که داده می شد به مصاحبه شوندگان نه تنها تحت تاثیر وضعیت صحت آنها بلکه تحت تاثیر شخصیت و موقعیت آنها نیز قرار می گرفت در واقع روانشناسان بسیاری در پی علت این هستند که انسان دروغ می گوید حتی در شرایطی که تحت اجبار و یا اکراه هم نبوده، براساس کتابی از مالکوم گلدول و به تاسی از او، در می یابیم که انسان ها هنگام برخورد با افراد غریبه به راحتی می توانند فریب بخورند، انسانها به راحتی قادر به تفکیک راست از دروغ نیستند و آنهاپی که تصور می کنند از طرز نگاه یا بیان کسی می توانند به صحت و سقم ادعاهای آنان برسند بشدت در خطا هستند، تشخیص این که یک انسان که هدفش توریه است تا چه حد می تواند صداقت و یا دروغ در کلامش را آشکار سازد، به مراتب سخت تر است

گلوکن [۱۷] ۲۰۱۳ و ملینکوف و استرو منیگر [۱۸] ۲۰۲۰ و سیمون و همکاران [۱۹] ۲۰۲۰ قضاات اغلب در تصمیم گیری های خود فهرست محدودی از اهداف را دنبال می کنند و اینکه سیستم قضایی تنوع دیدگاه آنها را نسبت به حل پرونده ها محدود می گرداند و اینکه آنها باید در رسیدگی های خود به سه دسته از احکام که در آیین دادرسی مدنی هست قوانین تشریفات و اصول توجه کنند و این دسته ها را در رسیدگی های خود رعایت نمایند. در واقع قضاات باید یکسری اصول حقوقی و الزام آور را در جهت گیری های خود به کار بگیرند از جمله اصولی که می توان به آن اشاره نمود اصل استقلال قاضی و اصل بی طرفی قاضی است و لو اینکه به این اصول صراحتاً در قوانین تأکید نشده باشد و پرداختن به آن هم امری است الزام آور در به دست آوری نتایج بهتر می باشد. در این میان تئوری می تواند این اصول الزام آور را تحت شعاع خود قرار دهد. و اثری مستقیم بر آن بگذارد و به واسطه اعمال تئوری از سوی هر یک از طرفین دعوا، انگیزه ی خواهد شد برای دستیابی به حق مورد دعوا و مقدمه ای برای احتمال پیروزی در دعاوی دیگر، با بهروری از تکنیک تئوری هر کدام از طرفین می توانند در دعاوی پیشروی خود به دنبال اخاذی قضایی، گریز از ادای حق و یا اطاله دادرسی گردند اگر قضاات نتوانند با بهره گیری از تجارب گوناگون تئوری کننده و اهداف تئوری را تشخیص دهند دیگر نمی توانند در رسیدگی های خود، آزادی کامل بر مبنای واقعیت داشته و نهایت منجر به صدور آرای می شوند که حتی بی طرفی قضاات را در پرونده ها زیر سوال می برند و در واقع یک قاضی به واسطه اعمال تئوری و تشخیص اشتباه و نداشتن بهره مندی از تکنیک های روز تر و تجربیات مختلف گول می خورد. و منجر به نقض اصول کاربردی و اساسی سیستم عدالت خواهی می گردد.

تأثیر گذاری تئوری در مراحل رسیدگی در دادگاه بیشتر مشهود خواهد بود در جایی که نیاز به تشکیل جلسات برای دفاع، ضرورت حضور طرفین در آن جلسات و به اصطلاح آغاز دفاعیات و تلاش برای پیروزی است. اثرگذاری تئوری تا جایی است که حتی می تواند جدای از، امور ترافیعی در امور حسبی که در آن تنازعی وجود ندارد نقش داشته باشد

این مقام و مأموریت را داشته باشد، حق دارد به قضاوت بین مردم برای احقاق حقوق و قضاوت در امور - مانند رؤیت هلال - و قضاوت در حدود و مجازاتها بپردازد همچنین است در روایتی که از ابوخیجه است که می فرماید: «من او را قاضی قرار دادم، پس برای قضاوت به او مراجعه کنید» در واقع نقشی که سیستم قضاوتی در هر نظام حقوقی ایفا می کند به سرانجام رسانیدن حقوق تضعیف شده در جامعه و ایجاد نظم و برقراری آرامش و جلب اعتماد در همان جامعه است. نه تنها در قانون اساسی ما نیز به قوه قضاییه و سیستم عدالت اشاره نموده بلکه در خود قوه قضاییه نیز لایحه تحت عنوان "لایحه نظارت انتظامی بر رفتار قضایی" موجود است. و اساس تمامی گفتگوها و اهمیت دادن به، آن به الگویی از یک نهاد مستقل در آمده که حافظ حقوق فردی و اجتماعی و مسئول برقراری عدالت است و در صدد ایجاد شرایط اطمینان پذیری هر چه بیشتر و پذیرش سیستم عدالت در جامعه است. با این وجود تلاش برای به بار نشستن بهترین عملکرد نتیجه گرا و تصمیم گیری در هر پرونده با تأکید بر شعار عدالت خواهی کاری سهل و آسان نخواهد بود چه بسا هیچ فرآیند تصمیم گیری نمی تواند یک نتیجه عالی را تضمین کند. ذکر این امر که انسانها دانای کل نیستند. هم در آنچه می دانیم و هم در مورد آنچه که می توان کنترل کرد، و پرداختن به نکته کلیدی، در تئوری مطرح شده ای که در آن قضاات مانند همه انسان ها می توانند به دلیل تجربیات زندگی قبلی خود تعصب نشان دهند، که امروزه در تحقیقات به خوبی غالب شده است (هریس و سین [۱۳]، ۲۰۱۹ و وستریچ و راجلیسنکی [۱۴]، ۲۰۱۷) همین طور در تحقیقات نشان داده می شود که قضاوت های افراد در مورد یک موقعیت معین می تواند به طرز ناخود آگاه تحت تاثیر نقشی که در آن بازی می کنند در مقایسه با یکی از طرف دعاوی قرار گیرد (سیمون و همکاران [۱۵]، ۲۰۰۴) همچنین طرح های تحقیقاتی که به عنوان نظام کیفری، حقوقی متخاصم ساختار یافته است نشان داده است که انتساب افراد به عنوان تعقیب یا دفاع حتی به طور تصادفی موجب قضاوت ها و رفتاری نادرست و تنزل نظام مند شواهد استدلال های رقیب به نفع فرد میشود (آنتونیوز و همکاران [۱۶]، ۲۰۱۹ و وانگل و

دهد، اجرای عدالت را در هاله ای از ابهام قرار داده و النهایه نظم و امنیت و منافع عمومی جامعه در معرض تهدید قرار خواهد گرفت

جاری کردن عدالت قضایی یکی از آرمان های مهم بشر است که همواره مورد توجه ادیان الهی، مکاتب مختلف، اندیشمندان و مصلحان اجتماعی بوده است. یکی از لوازم و پیش شرط های اساسی اجرای عدالت، شناسایی و مقابله با عواملی است که در فرآیند عدالت قضایی ایجاد اخلاص می کنند. بنابراین جهت حاکمیت عدالت قضایی در جامعه می بایست، اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی هستند جرم انگاری شده و مباحثان، شرکاء و معاونین این اعمال مجازات شوند؛ زیرا طبع عدالت قضایی بر مبنای قضاوت کردن استوار است .

لذا از مهمترین مراحل فرآیند دادرسی مرحله راستی آزمایی در کل پروسه قضاوت است زیرا کوشش قضات در این مرحله کشف حقیقت، شناسایی بزهکاران واقعی و مساعی در جهت کشف حقیقت از دروغ می باشد ولو دروغ مصلحتی که در بسیاری از شوون بی خطر یا کم خطر اطلاق میگردد عدم تضييع حقوق اشخاصی که در تکوین رفتار مجرمانه دخیل نبوده با رعایت اصل شخصی بودن جرم و مجازات گسترده به منظور دستیابی به عدالت قضایی بر مدار قانون با حفظ حقوق متهم می باشد. با مذاقه در ضرورت جرم انگاری اظهارات خلاف واقع متهم و سزادهی مرتکب آن به جهت اخلاص در فرایند دادرسی به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی، از آنجاکه ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی میتواند سبب انحراف ذهن مقام قضایی شود این عمل خلاف نظم عمومی میباشد، صرف این عمل مجرمانه بوده و بایستی در راستای حراست از فرایند مقدس دادرسی و نیز مقام و شأن دادرسی یا قاضی تحقیق اراده اطلاعات غلط و کذب قابل سزادهی باشد. اگرچه صرف این عنوان در قانون مجازات اسلامی صریحاً جرم انگاری نشده است اما حاکی از آن است که حرمت اظهار خلاف واقع مطلع در فقه اسلامی، امری مسلم و پذیرفته شده است و به جهت ایجاد اخلاص در فرایند دادرسی به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی قابلیت جرم انگاری این رفتار و سزادهی مرتکب آن وجود دارد.

در نظامهای سیاسی دینی که حقوق کیفری آنها متأثر از آموزه ها و وحی

توریه می تواند از همان جریان دادخواست و ابلاغ آغاز گردد و تا صدور رای و انشا رای ادامه داشته باشد. حتی توریه در رجوع به کارشناس و یا سوگند در دعاوی سه گانه و یا ورود و جلب ثالث نیز اثر گزاری قابل توجهی را به بار می گذارد، تشخیص دادن توریه بسیار حائز اهمیت است زیرا اساساً می تواند نتایج به بارآمده، توسط توریه به جامعه برگردد. باعث ایجاد فساد بیشتر در جامعه، به بار نشستن تاثیرات مخرب بر آن می گردد و این رفتار ناپسنددر پس پرده ای پنهان بدون عقوبت خواهد ماند. رواج این امر کم کم به این منجر می شود که طرفین دعوا و گواهان و اشخاص ثالث دخیل در یک دعوا به راحتی سیستم قضایی را دور بزنند و همه تلاشهای قانونگذار و سیستم قضایی در جهت تضمین حق نادیده گرفته شود. به همین اساس برای جلوگیری از این بی نظمی اعمال و اجرای قوانین و مقررات و پایبندی به اصول اخلاقی و رفتاری و استقرار حق و احقاق آن در دادخواهی ها، توریه باید از کذب جدا در نظر گرفته نشود و باید برای آن مجازات نیز در نظر گرفت. و در این میان قضات و سیستم عدالت نقش پررنگی را ایفا می کنند. و در جلسات حضوری با توجه به اختیاراتی که دارند، توریه طرفین را از طرق دیگر نه صرفاً اکتفا به منابع و فتاوی معتبر تشخیص دهند. اما در جلسات دادگاهی گاهی خود خواهان یا خوانده حضور ندارند بلکه وکلای آنها و یا نمایندگان از طرف آنها در جلسات حضور پیدا میکنند. که می تواند تشخیص دادن اینکه توریه کننده کدام یک از طرفین دعوا است را سخت کند. عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است که در نظام های حقوقی به عنوان یک ارزش مطرح شده است. اهتمام دین اسلام نیز بر اجرای عدالت و اقامه حق بر اساس موازین شرعی در این زمینه مشهود می باشد. اجرای عدالت قضائی از یک طرف مستلزم مشارکت شهروندان در ارائه به موقع و صحیح اطلاعات از وقوع جرم بوده و از طرف دیگر اقدامات دقیق و سریع دستگاه قضاء را طلب می نماید. هر اقدامی که کشف جرم و شناسایی متهم را با تأخیر مواجه ساخته و موجبات گمراه نمودن قضات رسیدگی کننده به پرونده و فرار متهم از چنگال عدالت را فراهم می نماید و یا به کاهش نقش آنان در وقوع بزه انجامیده و یا افراد بی گناهی را در مظان اتهام قرار

مینماید. بهطور کلی بر اساس دیدگاه اخلاق‌گرایی قانونی، رفتار غیر اخلاقی مستوجب مجازات است. زیرا در تقابل با ارزش‌های بنیادین و برتری هستند که برای حیات انسان ضروری هستند. یکی از نظریه پردازان و حقوقدانان تبیین کننده «اخلاق‌گرایی قانونی» پاتریک دولین می‌باشد، هدف اصلی وی از مطرح نمودن اخلاق‌گرایی قانونی، استدلال او بر حق همیشگی جامعه در وضع حکم اخلاقی برای شهروندان و حق استفاده از حقوق کیفری برای اجرای حکم بود و در واقع خلاصه استدلال او این است که جامعه، شایستگی این را دارد تا درباره هر یک از فعالیت‌های عمومی و خصوصی شهروندان داوری کند چون جامعه، بر اساس تعریف او، مجموعه‌ای از باورهای سیاسی و اخلاقی می‌باشد. این دلالت بر این دارد که جامعه مجموعه ای فراتر از افراد ساکن یک سرزمین است. بنابراین، نتیجه تعریف جامعه به عنوان «یک اجتماع دارای باورهای مشترک» آن است که کسانی که بیرون از این باورها قرار دارند، برای دوام جامعه تهدید شمرده می‌شوند» (تبیت ۱۸۷، ۱۳۸۴)، جرم انگاری در نظام کیفری ایران. بدینسان جرم انگاری رفتار غیر اخلاقی اظهار خلاف واقع مطلع به طور غیرمستقیم در تقویت گرایشها به اخلاقیات و تأمین بهتر نظم عمومی اثرگذار است.

نتیجه گیری

بر اساس گفته پروفیسور هراری [۲۰] یکی از شیوه های متمایز انسان از سایر موجودات آن است که انسان می تواند خیالات و رویا های خود را به واقعیت تبدیل کند و آن را تبدیل به هدف و برای آن هدف برنامه ریزی کند، توریه کردن نوعی از خیالاتی است که در ذهن هر انسانی وجود دارد، برای آنکه بتواند به مقصود خود نائل گردد می تواند آن را به واقعیت تبدیل و بر آن اساس برنامه ریزی نماید بنابراین می تواند کار غیر اخلاقی، خارج از عرف تلقی گردد. اخلاقی بودن، عملکردی است که رابطه مستقیمی با غرض و انگیزه انسانی دارد. اگر انسان انگیزه نادرستی داشته باشد هر عملی غیر اخلاقی خواهد بود خواه آن عمل بر اثر اضطرار و یا

الهی است، جرم انگاری در حوزه ارزشهای اساسی دین، به معنای بیان، اعلام و قانونگذاری کیفری درباره جرائم و مجازاتها شرعی است. بدیهی و روشن است که حقوق اسلام با نظریه‌های فقهی توسعه و گسترش یافته است و فقیهان مسلمان در هر عصر و زمان با پاسخگویی به مسائل و موضوعهای مطرح در زمان خویش به گسترش و تعمیق آن پرداختند. آموزه‌های فقهی ضمن اینکه بر اساس اصول راهنمای اسلام یعنی کتاب و سنت طرح ریزی شده، تاریخی و متأثر از شرایط زمان و مکان بوده است. (بیگی، ۱۳۹۶، ۱۵۱-۱۵۰) در سیاست جنایی اسلام، تحریم اظهارات شاهد از محرمت شرعی قابل تعقیب و مجازات دانسته شده است، در این راستا با توجه به اینکه اظهارات مطلع در حل و فصل اختلافات و دعاوی کیفری و اجرای عدالت نقش تعیین کننده دارد، اظهارات خلاف واقع مطلع نیز مانند شهادت کذب موجبات بی‌عدالتی در فرآیند دادرسی گردیده، از این جهت نوعی اتحاد طریق در مقابله با اظهارات خلاف واقع مطلع مانند شهادت کذب، در آموزه‌های اسلام وجود دارد. لذا تحریم مذهبی به‌عنوان عقاید زیربنایی قانونگذار درباره تأثیرهای اجتماعی، در کنار ارزیابی‌های هزینه فایده، به گونه‌ای جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع راتایید می‌کند.

فارغ از مباحث عنوان شده از اصول مسلم اسلام این است که قوانین اسلام همواره در بستر تأمین و تضمین عدالت اجتماعی و اخلاق حرکت کند، این زیربنای فقه و حقوق ماست. پیامبر اسلام میفرماید: "انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق": من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را در جامعه پیاده کنم و به کمال برسانم. بنابراین یکی از امتیازات بسیار بزرگ اسلام همین اصل طبیعت قوانین از اخلاق است. بدیهی است آنجا که از حقوق اسلام سخن می‌گوییم مقصود ما از اخلاق، اخلاق دینی است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۲۴-۲۳) اخلاق‌گرایی قانونی رویکردی است که زبان رساندن شخص به دیگران را تنها ملاک انحصاری جرم انگاری نمیداند. این دیدگاه امکان جرم انگاری رفتارها را به دلیل غیر اخلاقی، مذموم بودن یا به علت مغایرت با معیارهای مورد پذیرش افراد جامعه، فراهم می‌آورد. ارزشهایی که اخلاق‌گرایی قانونی برای محافظت از آنها به جرم انگاری اقدام

پرونده های حقوقی و کیفری قضات از تجربیات متنوع تری استفاده نمایند، صرف اطلاعات حقوقی راه گشای رسیدگی به پرونده نیست در کنار آن نیاز است که قضات تعامل بیشتری با اجتماع و حضور پر رنگ تری در جامعه داشته باشند و برخورداری از تجربیات روانشناسی بسیار می تواند کارآمد باشد قضات اگر زمان بیشتری را جهت رسیدگی به پرونده ها در نظر بگیرند و تجربیات متعددی را در رسیدگی های خود استفاده کنند، و صرفا به قوانین و منابع حقوقی و فتاوی بسنده نکنند وظیفه قاضی به مراتب نسبت به اشخاص دیگر وظیفه بس خطیری است و نیازمند این است که قضات بر تجربیات متعدد خود بیفزایند. قضات می توانند در مسیر رسیدگی به پرونده های خود و تکیه بر قضاوت حقوقی، مضاعف بر آن به قضاوت اخلاقی [۲۱]، (هاوزر، کوشمن، یانگ، جین و میخائیل، ۲۰۰۷) نیز توجه داشته باشند، قضاوت اخلاقی فرایندی است که بر رفتار شناختی و عاطفی، عمدی و خودکار متمرکز است در واقع این نوع از قضاوت نسبت به باورها و دانش ها، توجه بر تعهدات اجتماعی و شناخت آنهاست و باز خورد نهایی جلوگیری از ایجاد پیامد های حساس است، از سویی دیگر با نگاهی بر افزایش شمار پرونده های حقوقی و کیفری نمی توان این امر را نادیده انگاشت و عدالت خواهی را فقط از طریق قوانین مدون به دست آورد بلکه برای رسیدگی به هر پرونده قضات باید زمان کافی تا حصول نتیجه را داشته باشند و صرفا هدف آنها به پایان رساندن و صدور حکم در یک پرونده نباشد و تنها یک هدف را برای رسیدگی انتخاب نکنند فرایند انتخاب کردن مسیر های رسیدگی در یک پرونده، برای قضات چند ویژگی دارد در واقع چار چوب تصمیم گیری را با مشخص کردن نیاز و با در نظر گرفتن جایگزین های متعدد و از طریق ویژگی های متعدد که هر کدام از آن جایگزین ها دارد برای دستیابی به اهداف متنوع تری می تواند مشخص سازد و این امر باعث می شود تا از توجه تنها به یک هدف جلوگیری شود. بالاخص قضات جوان تر که تجربه کاری آنها به مراتب کمتر هست بیشتر درگیر ترفند توریه طرفین دعوا قرار می گیرند و از سویی دیگر عدالت خواهی و اعتماد کلی جامعه از دستگاه قضا به مخاطره می افتد توریه می تواند بر رای دادگاه اثر گذار باشد و گاه تا مقاطع بالاتر دادرسی

اکراه باشد. خواه در شرایط بدون استرس باشد. انسان بر خلاف سایر موجودات به راحتی می تواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بر همین منوال باید در زندگی اخلاق و شیوه ی صحیح رفتاری را پیش بگیرد دروغ گفتن می تواند بسیار، متنوع باشد. نسبت به تفسیر اینکه یکی از افراد در دادرسی تمایل به دروغ به عنوان یک موضوع صرفاً اخلاقی در قالب توریه دارد هشدار می دهیم. در اصل دروغ گفتن یک توانایی است و تنوع این توانایی، و نیز تمایل به استفاده از آن، می تواند به دلایل اخلاقی، شخصی یا اجتماعی مختلفی ایجاد شود. دروغ گفتن عملی غیر اخلاقی است. که انسان باید از آن اجتناب ورزد، نمی توان تفاوتی بین توریه و دروغ را هم در نظر بگیریم چه بسا با بررسی قرآن و دیدگاه روانشناسان و نیز دیدگاه فقهایی که وجوب توریه را صادر نکردند به این نتیجه رسیدیم که توریه نمونه ای از دروغ است که نه تنها با علم و آگاهی صورت می گیرد بلکه گاه در مکاتبات روزمره شاهد آن از سوی افراد، در جامعه هستیم. بدون اینکه تشخیص دهیم آن عمل توریه است یا نه. اما اهمیت موضوع را می توان در دادگاه و رسیدگی به پرونده ها مشاهده کرد. همانطور که اشاره کردیم قضات از سایر انسان ها مجزا نیستند و می توان گفت آنها نیز چه در زندگی شخصی و چه در مسائل کاری اشتباه می کنند و کسی که بر مسند قضاوت هم می نشیند می تواند در رسیدگی اشتباه کند. و قضاوت کردن مخصوص خداوند است و هیچ شخصی نمی تواند انتظار غیر از این داشته باشد که قضات عاری از ایراد باشند. از سویی هم با توجه به حجم پرونده های حقوقی و کیفری در مجتمع های قضایی که شاهد آن هستیم و همچنین رسیدگی به پرونده هایی با ثبت آماری مشخص شده در یک شعبه دادسرا یا دادگاه ها در مدت زمانی تعیین شده، توسط قضات و مهم تر اینکه تجربیات محدود قضات که صرفا بر اساس ماده قانونی رسیدگی و اتخاذ تصمیم می کنند و در جلسه رسیدگی بدون در نظر گرفتن رفتار و گفته های طرفین دعاوی و به دلیل تجربه کافی نداشتن در امور روانشناسی پرونده های خود را به سرانجام می رسانند یکی دیگر از عوامل مهم، است که نمیتوان به راحتی توریه افراد را تشخیص داد، از این رو می طلبد که برای رسیدن به عدالت محوری هر چه بیشتر در

هم تاثیر خود را بگذارد، و منجر به صدور آرای گردد که با احقاق حق و عدالت خواهی قضایی در تضاد باشد. توریه می تواند گاه در همان مرحله بدوی کار را یکسره کند و رای دادگاه را بگیرد شاید نتوان به صراحت گفت که توریه مستقیماً بر آرای صادره از محاکم اثر می گذارد اما می تواند به صورت دفاعی کذب و کاملاً پنهان و بدون هیچ گونه عقاب طرف دعوا را به پیروزی برساند و از بعد اجتماعی هم افراد دیگر به دستگاه قضا اعتماد خود را از دست دهند و این امر باعث کاهش اعتماد عمومی نیز خواهد شد. از منظری دیگر وقتی در نظام دادرسی به رسیدگی کردن قضات نگاهی می اندازیم در می یابیم که اکثراً قانونگذار ما، بر رسیدگی براساس قوانین بدون تاکید نموده اند. بدون در نظر گرفتن این امر که قضات صرفاً نباید بر قوانین متکی باشند و به شیوه های اصولی دیگری که نمونه هایی از آن نشات گرفته از روانشناسی نیز می باشند می تواند مطمح نظر قرار گیرد.

[۴] آیه ۱۷ آل عمران
[۵] آیه ۳۲ سوره زمر
[۶] آیه ۷۷ سوره توبه
[۷] آیه ۷ سوره الجاثیه
[۸] Immanuel Kant
[۹] DePaulo et al
[۱۰] Leins et al
[۱۱] Sporer & Schwandt
[۱۲] Nahari et al
[۱۳] Harris & Sen
[۱۴] Wistrich & Rachlinski
[۱۵] Simon et al
[۱۶] Anthonioz et al
[۱۷] Engel & Glöckner
[۱۸] Melnikoff & Strohminger

[۲۰] Yuval Noah Harari
[۲۱] Hauser, Cushman, Young, Jin, and Mikhail

[۱] whataboutism

[۲] Steven Callander a & Simon Wilkie

[۳] آیه ۳۵ سوره احزاب

- محمدی خراسانی، علی، کوثر فقه شرح تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ اول، عروج، ۱۳۹۱.
- انصاری، باقر، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، جلد اول، چاپ دوم، میزان، ۱۳۹۳.
- امینی ابراهیم، پیامبری و پیامبر اسلام، چاپ سوم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- صفارزاده، طاهره، ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید، چاپ دوم، موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر ۱۳۸۰.

Reference

- Anthonzioz, N. E., Schweizer, M., Vuille, J., & Kuhn, A. (۲۰۱۹) Role-induced bias in criminal prosecutions. *European Journal of Criminology*, ۱۶(۴), ۴۵۲-۴۶۵
- Cushman, F., Young, L., & Hauser, M. (۲۰۰۶) "The role of conscious reasoning and intuition in moral judgment: Testing three principles of harm", *Psychological Science* pp. ۱۰۸۲-۸۹, ۱۷
- DePaulo, B. M., Kashy, D. A., Kirkendol, S. E., Wyer, M. M Epstein, J. A. (۱۹۹۶). Lying in everyday life. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۷۰(۵), ۹۷۹-۹۹۵
- Greene, J. D., Sommerville, R. B., Nystrom, L. E., Darley, J. M., & Cohen, J. D. (۲۰۰۱) "An fMRI investigation of emotional engagement in moral judgment", *Science*, ۲۹۳ pp. ۲۱۰۵-۰۸
- Haidt, J. (۲۰۰۱) "The emotional dog and its rational tail: A

منابع

- کاتوزیان، ناصر، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ی ۳۹ بهار ۱۳۷۶.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۲۰ هـ، ق مکاسب، ج ۵، چاپ اول قم، مجمع الفکر اسلامی
- العاملی (شهید ثانی)، زین الدین، ۱۴۱۴ هـ، ق، مسالک الفهم، جلد سوم، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامی
- محسنی، حسن، در مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر ابوالقاسم گرجی، جلد دوم، به کوشش دکتر تهمورث بشیریه، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۹.
- نجفی، محمد حسن، جواهر کلامی شرح شرایع السلام، جلدسی و دوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، موسسه دارالهیجره جفی، ۱۴۰۵.
- نجفی، محمد حسن، جواهر کلام فی شرح شرایع السلام، جلد یازدهم، بیروت، دارالاحیاء، ۱۴۱۲.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، جامع السعادات، جلد دوم، ۱۴۱۷.
- بیهقی، السنن الکبری، جلد دهم، ۱۴۲۴.
- ابن قدامه، ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمد، المغنی، جلد یازدهم، ۱۴۰۳.
- ابن تیمیه، کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه فی الفقه. قاهره. جلد بیست و هشت، قاهره، القضاء الاسلامی، ۱۴۱۰.
- مشکینی اردبیلی، علی، تفسیر مبسوط، جلد اول، قم، جمیع الحقوق محفوظه، ۱۴۳۴.
- حسینی شاهرودی، علی، خوئی، سید ابولقاسم، محاضرات فی الفقه الجعفری، جلد اول، چاپ دوم، موسسه دایره المعارف فقه السلامی، ۱۳۹۵.
- مسعوده فاضل، یگانه، بهمنی، فرانک، "ماهیت توریه و بازخوانی نقش آن در جواز و عدم جواز"، پژوهش های فقهی، شماره چهارم، ۱۴۰۰.
- رحمانی علی، مصباح هادی "بررسی تطبیقی مبانی (صدق و کذب) و توریه و احکام فقهی آنها با تاکید بر دیدگاه امام خمینی" فصلنامه جستار های فقهی، شماره دوم، ۱۳۹۵.
- ایروانی، جواد بازخوانی، "روایت توریه و حکم آن"، فصلنامه حدیث پژوهی، شماره هشتم، ۱۳۹۱.

Simon Wilkie. Games and Economic Behavior ۶۰ (۲۰۰۷):
۲۸۶–۲۶۲

Simon, D., Snow, S. D., & Read, C. J. (۲۰۰۴). The redux of
cognitive consistency theories: Evidence judgments by
constraint satisfaction. Journal of Personality and Social
Psychology, ۸۶, ۸۱۴–۸۳۷

Taylor & Francis DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۰۰۲۰۱۷۴۰۹۰۳۳۰۲۶۰۰ SINQ
۱۷۴X ۱۵۰۲-۳۹۲۳ Inquiry, Vol. ۵۲, No. ۵, September-۰۰۲۰
pp. ۰- Inquiry At the Heart of Morality Lies Folk :۲۰۰۹
.Psychology Steve Guglielmo et al. STEVE GUGLIELMO
ANDREW E. MONROE AND BERTRAM F. MALLE Brown
University, USA (Received ۲۳ February ۲۰۰۹)

Wistrich, A. J., & Rachlinski, J. J. (۲۰۱۷). Implicit bias in
judicial decision-making how it affects judgment and what
judges can do about it. In S. Redfield (Ed.), Enhancing
justice: Reducing bias (pp. ۸۷–۱۳۰). ABA Book Publishing

Sporer, S. L., & Schwandt, B. (۲۰۰۶). Para-verbal indicators
of deception: A meta-analytic synthesis Applied Cognitive
Psychology, ۲۰۱۴

,"social intuitionist approach to moral judgment
.Psychological Review, ۱۰۸, pp. ۸۱۴–۳۴

Harris, A. P., & Sen, M. (۲۰۱۹). Bias and judging. Annual
.Review of Political Science, ۲۲, ۲۴۱–۲۵۹

.Hauser, M., Cushman, F., Young, L., Jin, R. K.-X., & Mikhail
J. (۲۰۰۷) "A dissociation between moral judgments and
justifications", Mind and Language, ۲۲, pp. ۱–۲۱

Leins, D., Fisher, R. P., & Ross, S. J. (۲۰۱۳). Exploring liars
strategies for creating deceptive reports. Legal and
Criminological Psychology, ۱۸(۱), ۱۴۱–۱۵۱

Lies, damned lies, and political campaigns a Managerial
Economics and Decision Sciences, Kellogg School of
Management, Northwestern University, ۲۰۰۱ Sheridan
Road, Evanston, IL ۶۰۲۰۸, USA b University of Southern
California, Los Angeles, CA, USA Received ۲ May ۲۰۰۶ A

Nahari, G., & Vrij, A. (۲۰۱۴). Are you as good as me at
telling a story? Individual differences in interpersonal-
reality Monitoring. Psychology, Crime, & Law, ۲۰(۶), ۵۷۳
۵۸۳

Otto von Bismarck (۱۸۱۵–۱۸۹۸)
Lies, damned lies, and political campaigns steven calendar